

درس ۸

معرب و مبنی

کلمه‌های عربی به دو دسته تقسیم می‌شوند: معرب و مبنی. معرب کلمه‌ای است که حرف آخر آن در حالات مختلف نحوی در کلام، تغییر می‌یابد، نام دیگر اسم معرب، متمکن است یعنی اینکه تمام حرکات را می‌پذیرد به عبارت دیگر قدرت دارد تمام حرکات سه گانه را بپذیرد.

مثل کلمه (علی) در عبارتهای: "ذهب علی"، "رأيت علیاً، سلمت علی علی".
و مثل کلمه (العاقِلُ و الثَّجَّارُ) در عبارت: "العاقِلُ مَنْ وَعَظَهُ الثَّجَّارُ".

اما مبنی بر عکس معرب است و کلمه‌ای است که در تمام حالات به یک صورت به کار برده می‌شود.
حکم کلمه معرب این است که آخر آن به سبب عوامل تغییر می‌کند. حال این تغییر گاه حرکت ظاهری است مثل کلمه زید: در «جاء زید» و «رأيت زیداً» و «مَرَزْتُ زید» که در این سه مثال می‌بینیم که کلمه (زید) در جمله اول مرفوع در جمله دوم منصوب و در جمله سوم مجرور می‌باشد. یا اینکه گاه تقدیری است یعنی تغییر آن با چشم قابل رؤیت نیست به عبارت دیگر حرکت آن پوشیده و مخفی است، مثل کلمه (موسی) در «جاء موسی» و «رأيت موسی» و «مَرَزْتُ موسی» که در این سه مثال (موسی) به یک شکل آمده است.

یا اینکه گاه نیایی و فرعی (اعراب به حروف) است. بعضی از حروف: الف، واو، یاء و نون، به نیابت از حرکت، حالت اعراب کلمه را معین می‌کنند، مثل اسم مثنی و ملحقات آن، جمع مذکر سالم و ملحقات آن، اسماء خمسہ، افعال خمسہ، کلا و کلتا در تأکید مثنی مانند: طالبان: مرفوع است به «الف» به نیابت از ضمه و یکتبُونَ مضارع معرب و مرفوع است به حرف «نون» به نیابت از ضمه و ...

نوع دیگر اعراب وجود دارد که آن را اعراب محلی می‌گویند که مخصوص جمله و شبه جمله و تمام اسمهای مبنی است از قبیل: ضمایر، اسمهای اشاره، اسمهای موصول، اسمهای شرط، اسمهای استفهام، اسم فعل‌ها، کنایات یا اصوات و بعضی- ظروف. اما مبنی در فعل‌ها: فعل ماضی مبنی است. اما اگر ادات شرط جازم بر آن آورده شود در آن صورت به عنوان فعل شرط محلاً مجزوم خواهد بود. فعل مضارع معرب است به جزء صیغه‌های جمع مؤنث که مبنی بر سکون است و به جزء زمانی که به نون تأکید خفیفه یا ثقیله متصل گردد.

و فعل امر مبنی است بر سکون یا مبنی بر حذف نون اعراب و یا حذف حرف عله.

حکم کلمه مبنی بر خلاف معرب است، یعنی حرکت حرف آخرش به سبب عوامل تغییر نمی‌کند. کلمه‌ی مبنی دارای بناء می‌باشد همانطوری که کلمه معرب دارای چهار اعراب زیر است: ۱- رفع و علامت آن ضمه است؛ مانند: الحسنة، حسنة ۲- نصب و علامت آن فتنه است؛ مانند: الصادق، صادقاً ۳- جر و علامت آن کسره است؛ مانند: الاجتهاد، اجتهاد ۴- جزم و علامت آن سکون است؛ مانند: لا تکذب. بنابراین کلمات معرب را براساس حرکت آخر آنها چنین می‌نامیم:

۱- مرفوع ۲- منصوب ۳- مجرور ۴- مجزوم.

بناء کلمه مبنی بر چهار نوع است: ۱- مبنی بر فتح، مثل: هُوَ، کَيْفٌ، کَتَبَ ۲- مبنی بر ضم، مثل: تَحْنُ، حَيْثُ، مُنْدُ ۳- مبنی بر کسر، مثل: هَوْلَاءُ، لِرَ، أُمِّسِ ۴- مبنی بر سکون، مثل: أَكْتُبُ، مَنْ، هُنَا.

نکته ۱: مبنی هائی که به (ا - ی - ی) ختم می شوند مبنی بر سکون هستند، مانند:

«ها- ما - کما- حتی- إلى- في- الذي» مبنی بر سکون هستند.

اما در فعل های مبنی برای مشخص کردن نوع بناء باید به حروف سوم ریشه نگاه کرد:

کَتَبَ : مبنی بر فتح

کَتَبَا : مبنی بر فتح

کَتَبُوا : مبنی بر ضم

کَتَبْتُ : مبنی بر سکون

کَتَبْتُمَا : مبنی بر سکون

أَكْتُبُ : مبنی بر سکون

أَكْتُبُوا: مبنی بر حذف «ن»

نکته ۲: فعل های موکد به نون تأکید مبنی هستند، مثل تحسینٌ.

نکته ۳: کلمات مبنی دارای اعراب محلی هستند.

مانند هَذَا طَالِبٌ - ذَهَبَ هَذَا الرَّجُلُ - رَأَيْتُ هَذَا الرَّجُلَ - مَرَرْتُ بِهَذَا الرَّجُلِ

مبتدا و محلاً مرفوع فاعل و محلاً مرفوع مفعول به و محلاً منصوب مجرور به حرف جر و محلاً مجرور